

یادداشت سر دبیر



زنان در ایران باید به هر حسابی نیمه جمعیت را تشکیل دهند. این موقعیت باید ناچاراً شرایط را برای بکار بردن امکانات بهداشتی، رفاهی، آموزشی، زیستی، اقتصادی و اجتماعی برای زنان در ایران به وجود آورد. اما شرایط واقعی زنان بسیار دور از آنچه است که باید باشد.

اخیراً معاون وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد که طرح غربالگری از سرطانهای شایع زنان به علت مشکلات اقتصادی امکان پذیر نیست و این طرح در 6 ماه آینده هم اجرا نخواهد شد.

اعلام این خبر به معنای این است که صدها هزار زن در ایران که در خطر مبتلا شدن به بیماریهایی که مثل سرطان سینه و رحم هستند باید قید امکانات مناسب برای بهتر شدن را بزنند.

بنا به این خبر یکی از مشکلات اجرای این طرح کافی نبودن دستگاههای ماموگرافی است که برای تشخیص و پیشگیری بیماری سرطان سینه از آن استفاده می شود.

بیماریهای سرطان سینه و دهانه رحم از جمله بیماریهایی هستند که علم پزشکی امروز دانش بسیار بیشتری نسبت به ۱۰ سال پیش از آنها دارد. مهمترین راه مقابله با این بیماریها اجرای برنامه های پیشگیری می باشد. برنامه هایی که در کشورهای پیشرفته جزو

اولیت های دولت ها می باشد. اینکه چه درصدی از زنان در ایران هر ساله قربانی این نوع بیماریها می شوند روشن نیست. اما آنچه که معلوم است این است که سلامتی زنان هرگز جزو اولیتهای جمهوری اسلامی نبوده و نیست.

منابع مالی در ایران عمداً اختصاص به سرکوب مردم در ایران دارد. سهم 6 ماه بودجه ای که معاون وزیر بهداشت از آن سخن می گوید و دنبالش می گردد را باید در خیابانها و معابر عمومی پیدا کرد.

بودجه خرید دستگاههای ماموگرافی و گشایش محل های درمانی امسال تابستان به سرکوب زنان و دختران جوان اختصاص یافت. بسیج صدها نیروی ویژه برای مقابله با بدحجابی، مقابله با جنبش دانشجویی و سرکوب آن همگی نیازمند امکانات مالی و بودجه های کلان است. این بودجه باید از سلامتی، رفاه، و آسایش شهروندان ایرانی گرفته شود. وطبعاً زنان قربانیان فوری آن هستند.

گزارشی از ایران

در رابطه با تظاهرات زنان در روز ۲۲ خرداد ۸۵ در میدان هفت تیر شهر تهران

عده در وسط میدان ایستاده بودند و عده ای هم از مردم در پیاده رو کنار پارک و اوباش رژیم دائماً اخطار میدادند و تهدید

ادامه در صفحه ۶

شمال غربی میدان چندین ماشین از مامورین ضد شورش و اوباش رژیم مستقر بودند. ماموران رژیم شروع به تخلیه پارک کردند و مردم را از پارک بیرون میکردند.

ساعت 4.30 رسیدیم میدان هفت تیر عده ای از زنان و جوانان در پارکی که در ضلع غربی میدان بود در دسته های چند نفری ایستاده بودند عده ای هم در قسمت جنوبی میدان در پیاده رو بودند همه منتظر یک حرکت بودند چهره ها نشان از یک جنبش بزرگ میداد دور میدان برای خودم گشتی زدم تا اوضاع را بررسی کنم در هر چهار گوشه میدان ماشین های نیروی انتظامی مستقر بود در قسمت

اردوی همبستگی زنان ایران

ما از تمامی زنان از هر نقطه ایران دعوت میکنیم در این اردو شرکت کنند. دوستان می توانند با تجهیزات شخصی (چادر و ...) در شهر سنندج و در فضا پی زیبا و آرام به مدت دو روز خاطره آشنایی های تازه را تجربه کنند. برای اطلاعات بیشتر میتوانید با ایمیل ما تماس بگیرید.

محل ملاقات: سنندج- پارک جنگلی آبیدر

زمان: 23 و 22 تیر ماه 1385

زنان دوستدار همبستگی

آدرس تماس: hambastgi_zanan@yahoo

يك جنبش اجتماعی غیرایدئولوژیک مرجعیت خود را از مطالبات واقعی می گیرد!



شہلا نوری

ارباب آنها را به خانه نشینی وادار کرد. همان زمان هم مردانی که موافق این نگرش فئودالی به زن بودند خوشحال از اینکه هیچکس از این به بعد قادر نیست مایملک آنها را از زیر حجاب ببیند، به خمینی آفرین گفتند. آنها دوشادوش خمینی با کوله باری از روشنفکری شرق زده خود، دست حکومت ایدئولوژیک اسلامی را

ادامه در صفحه ۲

واقعیت این است که اسلام سیاسی برای ما زنان برابری طلب یک پدیده شناخته شده بود. ما خود شاهد عریده کشیهای حزب الله (حق رای زنان مساوی با فحشا است!) بودیم. رژیم اسلامی در فردای قیام 57 زنان را اولین دشمنان رژیم اسلامی دانست و اولین اقدام ایدئولوژیک اسلامی خود را علیه آزادی حق پوشش زنان سازمان داد. بعد از آن زنان بی حجاب و بدحجاب را از صحنه سیاست و کار بیرون انداخت یا با ایجاد جو

جنبش زنان هم از این قاعده کلی جدا نیست. این جنبش را دیگر نمی شود با نصیحت و یا تبلیغ و ترویج به خانه فرستاد. البته در بافت حکومت سرمایه داری اسلامی رژیم حاکم بر مردم ایران که تا مغز اسخوان مردسالار، پدر سالار و دین سالار آن هم از نوع شریعه آن است، سلسله مراتبی از روابط قدرت بین زن و مرد به مثابه دو جنس مخالف چنان باز تولید می شود که فقط با جوامع اسلام زده دیگر قابل مقایسه می باشد.

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

سمینار در رابطه با خشونت نا موسی علیه زنان و دختران مهاجر در استکهلم

روز پنجشنبه ۸ ژوئن ۲۰۰۶ سمیناری علیه خشونت های ناموسی در شهر استکهلم برگزار شد. این سمینار بخشی از فعالیتهای کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران، واحد استکهلم و سازمان آزادی زن علیه قتل‌های ناموسی و خشونت ناموسی علیه زنان و دختران مهاجر در سوئد بود. اینگونه سمینارها تا کنون در ساختن افکار عمومی بنفع دختران مهاجر و وادار کردن مقامات سوئدی بری اقدام به حل این مسئله، بسیار موثر بوده در ابتدای است. سمینار مهین علیپور در رابطه با جگونگی نوع این خشونت بطور کلی، و در سوئد بطور مشخص، صحبت

کرد او به ریشه های این خشونت در سوئد و جگونگی برخورد مقامات دولتی با این پدیده پرداخت. سازش و باج دادن به مذهب و اعتقاد به تفاوت بین انسانها با پیشینه های گوناگون را عامل نوع برخورد غلط مقامات، به این پدیده دانست. وی اشاره کرد که راههای پیشنهادی و عملکرد تاکنونی مقامات دولتی نسبت به این مسئله کافی نبوده و باید چاره های اساسی و و دراز مدت را مورد استفاده قرار داد. وی چلوگیری از کار مدار س مذهبی، سیاست مناسب و یکسان برای جذب

مهاجرین به جامعه سوئد، جدی گرفتن مشکل این دختران و کمک عاجل به آنها، مجازات افرادی که به تهدید و اذیت دختران خود میپردازند، جلوگیری از بوجود آمدن مناطق ایزوله مهاجر نشین، قطع کمکهای مالی و معنوی به تشکلهای و افراد سنتی و مذهبی و در عوض کمک مالی و معنوی به تشکلهای و فعالین رادیکال و سکولار در دفاع از حقوق برابر انسانها، و ایجاد خانه های امن و مطمئن برای دختران مورد اذیت و آزار قرار داده شده را از راه حل‌های عاجل این مسئله دانست. در این برنامه گوشه

هائی از یک فیلم مستند کار مهین علیپور که شامل مصاحبه با افراد خارجی در این مورد بود نشان داده شد. هدف از نمایش این فیلم این بود که گوشه ای از این واقعیت را که مردم بسیاری در سوئد وجود دارند که علیرغم سالیان زیاد زندگی در سوئد هنوز بعلت عدم اینترگره شدن در جامعه سوئد با نرمها و سنتهای ضد زن و سنتی خود به جامعه مینگرند. دیگر سخنرانان این سمینار، نیامکو صابونی از حزب مردم سوئد و آرچه حامد مسئول پروژه مردان شریف که با مردان مهاجر در جهت

زدودن فرهنگ مرد سالار کار میکند، ایا رتی از زنان سوسیال دمکرات، کریم شاه محمدی مسئول تشکل اول کودکان در سوئد بودند که همگی بطور مشخص به برخورد غیر مسئولانه دولت به این قضیه پرداختند از مسجد استکهلم هم نماینده ای بنام عبدالقادر حبیب در این سمینار شرکت داشت. در کنار این سمینار میز کتاب سازمان آزادی زن و نماشگاه عکس از وضعیت زنان در ایران مورد استقبال بسیار قرار گرفت.

۱۴ ژوئن ۲۰۰۶
مهین علیپور

یک جنبش اجتماعی غیرایدئولوژیک... از صفحه ۱

باز گذاشتند تا هرچه بیشتر ساختار سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی (سرمایه داری اسلامی) کشور را مردسالارانه کنند. حالا بعد از ۲۷ سال چه باید کرد؟ آیا می‌شود با تابوهای اسلام سیاسی مبارزه کرد بدون آنکه پا به عرصه سیاست برای تغییر قوانین برد؟ مناسبات قدرت و سیاست در هم تنیده است. آیا می‌شود قدرت خواست واز سیاست دوری گزید و برعکس، آیا می‌شود در آب رفت و خیس نشد؟ رژیم امکان دستیابی به این عرصه‌ها را تا حدی اندک در دست فمینیست‌های اصلاح طلب و کمی بیشتر

در دست فمینیست‌های اسلامی و از همه بیشتر در دست محبیه‌های حکومتی که خود مروج جهل و عامل ستم مردسالارانه هستند، گذاشته است و این وسط فمینیست‌های مدرن هم به مردسالارانه کردن جامعه ایران محکوم شده‌اند و عملاً با مخالفت‌های جدی روبرو گشته‌اند. فاطمه کوماندوهای مجلس سال‌ها تلاش کردند که با چادر سیاه در مجلس ظاهر شوند و الگویی شوند برای تشویق دیگر زنان. حکومت صد هزار اعدام، امر محجبه کردن زنان را برای تثبیت حکومت خود تبدیل به معضل فقط

نیمی از جامعه، نموده تا مردسالاران را در کنار خود نگه‌دارند. اما تکلیف می‌لونها زن در کشور ایران که در محیط‌های مختلف کاری‌کنند و بلاجبار حجاب هم بر سر می‌کنند اما حاضر نیستند نماینده مجلس ارتجاعیترین حکومت این قرن باشند چیست؟ آنها از کدام راه باید وارد عرصه سیاست شوند؟ کدام کنش آگاهانه زنان می‌تواند مردان آزادیخواه جامعه را در کنار آنها قرار دهد؟ زنان برابری طلب سالها تلاش کرده‌اند تا در جهت رهایی خود از مردان آزادیخواه کمک بگیرند ولی آیا همه مردان آزادیخواه الزاماً برابری طلب هم هستند؟ آیا این مردان از مرز

نابرابری جنسی عبور کرده‌اند؟ کدامین موانع را باید از سر راه برداشت؟ اگر امروز شاهد رهایی زن در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی در جوامع مدرن هستیم به این دلیل است که زنان با کنشی فعال و تاثیر گذار در عرصه سیاست وارد میدان شده و توازن رابطه قدرت مردسالارانه را در جامعه بهم ریخته و آنطرف کفه ترازو را به نفع جنبش آزادی زن سنگین‌تر کرده، بهای آن را هم پرداخته‌اند. ما انسانهای برابری طلب وظیفه داشتیم به واقعیت‌های موجود در جمهوری اسلامی و آنچه بر سر زنان آن جامعه آمده نام مشخصی بدهیم (آپارتاید جنسی) و

مفهوم و عینیت آن را به مردم جهان بشناسانیم. ما با آگاهی از اینکه قربانیان آن شرایط با وجود قابل رویت بودن آپارتاید جنسی، شرایط بیان اوضاع خود را در جو پلیسی و اختناق موجود نداشتند، بلندگوی خواسته‌های بر حق آنان شدیم و فریاد برابری طلبی زنان ایران را به گوش جهانیان رساندیم. امروز شرایط فراهم گشته و شما انسان‌های آزادیخواه در جنبش زنان امکان پیوستن به جنبش دانشجویی و جنبش کارگری را پیدا کرده‌اید. اگر جواب شما مثبت است در نظر داشته باشید که تا همین حالا هم بسیاری از فرصتها از دست رفته است!

به سازمان آزادی زن پیوندید



نامه های رسیده از ایران

نادره :

سلام ، موضوع آرایش هر شکلش چیزی شخصی است و چون ما توایران اصلا مسئله شخصی نداریم درواقع فردیت نداریم و برای هر چیزی باید جواب پس دهیم پس باید دلیلی برایش داشته باشیم . این قضیه سوال بر انگیز میشه، من به شخصه آرایش میکنم همانطور که تلاش میکنم عادت های بدم رو از بین ببرم این برای من درراه کامل گرایی من معنی میده به شخصه هیچ مشکلی ندارم اگر پسر میخواهد آرایش کنه. این مثل این میمونه که از یکی بپرسن چرا شما رنگ لباسش آرایشرومن سلیقه ای می دونم و شخصی.

من 24 ساله سالمه و 3ساله که خارج ایران زندگی میکنم. (اطلاعات داده شده برای این که بدونید منم هم هم از جنس شما و نو جوانان بودم.) شما دخترا اینرو باید بدونید که پسر ها خوششون میاد که جلبشون کنن. شوهره یک خانم اگر بیینه که زنش بد سلیقه و شلخته است اینو بدونید که حتما و لاش خواهد کرد. این طبیعت مرده. آرایش کردن حتی ایرد که نیست بلکه مهم است. مخصوصا برای زن. البته قبول میکنم که آرایش زننده یا زیادی خوب نیست.

میترا از ساری

سلام خانم کابلی ! مرسی که نشریه را

برای من فرستادید. من باید بگویم که ما جوانان خیلی در ایران گرفتار شده ایم و نمیدانیم که چکار باید بکنیم. به نظر من باید در مقابله حمله به ما جوانان مقاومت کنیم. این چه زندگی چهنمی است که ما داریم.

سارا از اصفهان :

تلویزیون آزادی زن را نگاه میکنم . مرسی برای برنامه های خوبتان. اما خانواده من بسیار میترسند که من در خیابان دستگیر شوم. مادرم اجازه نمیدهم که با دوستانم ملاقات کنم. پیروز باشید.



کمپین نجات ملک قربانی از سنگسار

بنا بر اخبار رسیده به سازمان آزادی زن ملک قربانی ساکن نرده که در دادگاه به سنگسار محکوم شده بود، در تاریخ 24 ژوئن حکم خود را از مسئولین زندان ارومیه دریافت کرد. این خبر از طرف کمیته بین المللی علیه سنگسار هم تائید گردیده است. ملک قربانی زن جوانی است که در چند ماه گذشته در زندان ارومیه زندانی است. چند ماه پیش برادر و همسر وی مردی را که در خانه ملک بود به قتل میرسانند و ملک را هم تا حد مرگ با ضربات چاقو روانه بیمارستان میکنند. ملک که بدلیل جراحات وارده مدتی در بیمارستان بسر برده بود، اکنون در دادگاه به سنگسار محکوم شده است.

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی زنی را به سنگسار محکوم میکند. اما هر بار با اعتراض بین المللی و ادار به عقب نشینی گردیده است. سازمان آزادی زن ضمن ابراز انزجار از صدور این حکم قرون وسطایی، اعلام میکند که از همه امکانات خود برای نجات جان ملک استفاده خواهد کرد و تلاش خواهد نمود با سازمان دادن اعتراضات بین المللی یکبار دیگر جمهوری اسلامی را به عقب بنشانند.

سازمان آزادی زن همه مردم آزادیخواه ، سازمان های زنان و حقوق بشر را فرا میخواند که برای نجات جان ملک قربانی به این کمپین بپیوندند.

سازمان آزادی زن

۲۷ ژوئن ۲۰۰۶

www.azadizan.com

است. اگر هزینه های زیادی که صرف ساختن سلاحهای کشتار دسته جمعی انسانها و صرف حفظ منافع سرمایه داری میشود برای کشف درمان بیماریهای خطرناک و کشنده و پیشرفت تکنولوژی پزشکی برای نجات جان انسانها استفاده میشود شاید این امکان هم بوجود می آمد. در آن لحظه شاید صدف و دوست پسرش هم آرزوی مرا داشتند. وقتی بیرون آمدیم صدف دو باره گریه میکرد و من دلم میخواست بغلش کنم و با او گریه کنم. بعد از چهل و هشت ساعت دوباره نزد دکتر رفتیم چون باید دو قرص دیگر میخورد و چند ساعتی آنجا تحت نظر دکتر میماند تا جبین کاملا سفت شود. اینبار در اتاقی بودیم که يك تشك با پتویی در آن قرار داشت. چند دقیقه سپری شد تا دکتر آمد و دو قرص با لیوان آب به دستش داد چند لحظه بعد از خوردن قرص درد شدیدی او را گرفت به خود میپیچید از شدت درد حالتش به هم خورده و بالا می آورد دوست پسرش از دیدن حال او هم میترسید و هم از ناراحتی اشک در چشمانش حلقه زده بود. اما صدف جوان دو تا درد را با هم میکشید درد جسمی و درد از دست دادن بچه اش. سقط جنین تجربه تلخی در زندگی او بود و مطمئن هستم که هیچگاه نخواهد توانست این خاطره تلخ و درد آور را فراموش کند.

روحیه او همراهش آمده بودم طاقت دیدن این صحنه را نداشتم در مقابل چشمانم هر دوی آنها را می دیدم و احساس میکردم جبینی که با خوردن این داروها از بین خواهد رفت درست مانند یکی از آنهاست و به همین دلیل بغض شدیدی گلویم را گرفته بود رویم را برگرداندم که این صحنه را نبینم. ای کاش میشد راهی برای حفظ این موجود زنده وجود داشت. ای کاش میشد از همین دو ماهگی او را در جایی خارج از رحم مادر نگهداری کرد ولی افسوس که هنوز علم پزشکی به این تکنیک دست نیافته و انسانهای زیادی قربانی این سنتها می شوند. مناسفانه ما در جهانی بسر میبریم که نظام سرمایه داری

تجربه تلخ

ز صفحه ۴

که در قلب اروپا باشی ولی به دلیل فشار اخلاقیات عقب مانده و سنتی و وضعیت نا برابری که در آن قرار داری مجبور بشوی جبین ات را از بین ببری. صدف مجبور است بچه اش را سقط کند او گناهی این است که بدون میل و اراده خودش در خانواده ای بدنیا آمده زده به اروپا مهاجرت کردند و او باید طبق قوانین مذهبی و عقب مانده خود را برای همسر آینده اش که مردان خانواده برایش انتخاب خواهند کرد حفظ کند. چند دقیقه ای گذشت و دکتر او را صدا کرد او آرام بود هر سه با هم به اتاق دکتر رفتیم دکتر توضیحات لازم را داد و سپس دو عدد قرص را با لیوان آب به دستش داد. دیدن این صحنه برایم خیلی دردناک بود من که برای تقویت

کجا بروم و باچه کسانی رفت و آمد کند را باید آنها برایش تصمیم بگیرند. چون مادرش شوهر ندارد آنها به خود اجازه میدهند که تا عمق زندگی او دخالت کنند چه برسد به وضعیت خودش که دختر آن خانه است. او حتی اجازه ندارد با پسر دوستان خود چه رسد به اینکه باردار هم بشود. به مطب دکتر رسیدیم و در سالن انتظار نشستیم او باز هم گریه میکرد. بغض گلویم را گرفته بود و نمیتوانستم حرف بزنم و دلداریش بدهم میترسیدم اشک خودم هم سرازیر شود. سقط جنین واقعا راه حل دردناکی است که او به دلیل فشارها و محدودیتهای فرهنگی و اخلاقی و سنتی که خانواده اش به او تحمیل میکردند باعث شده بود که این راه را انتخاب کند. این واقعا ننگ بشریت قرن بیست و یکم است

از سایت آزادی زن دیدن کنید!

www.azadizan.com



azadizan@yahoo.com

www.azadizan.com

Tel: +44-7789801250 Fax: +44-

8701358385

۱۸ تیر ۷۸ روز اعلام جنبش سرنگونی
طلبانه توده های مردمجنبش آزادی زن به استقبال ۱۸ تیر
می‌رود.

۱۸ تیر یک روز تاریخی در اعتراضات جامعه برای آزادی و برابری است. روز اعلام جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم است. شعارهایی که در این روز فریاد زده شد: «مردم قیام شروع شده بیست سال سکوت تمام شده، حکومت آخوندی، سرنگون سرنگون، وای به روزی که مسلح شویم، و آزادی اندیشه با ریش و پشم همیشه» نشاندهنده شروع جنبشی بودند که اعلام کرد سرنگونی رژیم اسلامی پیش شرط هرگونه بهبود و تغییری در زندگی مردم است. ۱۸ تیر ضربه سنگینی به جنبش ارتجاعی دوم خرداد بود. نشان داد که هدف مردم نه اصلاح رژیم اسلامی بلکه سرنگونی آن است. نشان داد که مردم با سوت جریانات دوم خردادی در آغاز راه متوقف نخواهند شد، به کم رضایت نخواهند داد، به اسلام رضایت نخواهند داد، به فرودستی و نابرابری زن و مرد رضایت نخواهند داد. به آپارتاید جنسی رضایت نخواهند داد. به یک ذره تغییر رضایت نخواهند داد. همه آزادی را میخواهند. همه برابری را میخواهند، و سرنگونی رژیم اسلامی گام اول این مبارزه گسترده برای تحقق آزادی و برابری و خواسته های پایه ای مردم است. جنبش آزادی زن به استقبال ۱۸ تیر می‌رود. سرنگونی رژیم اسلامی حلقه اصلی تحقق آزادی بی قید و شرط زن و مرد و آزادی زن در جامعه است. در هم شکستن آپارتاید جنسی مستلزم سرنگونی رژیم اسلامی است. خلاصی از زندان حجاب نیازمند سرنگونی رژیم اسلامی است. لغو قوانین ارتجاعی و زن ستیز اسلامی مستلزم سرنگونی رژیم اسلامی است. پایان دادن به کلیه تبعیضات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و حقوقی در جامعه مستلزم سرنگونی رژیم اسلامی است.

سازمان آزادی از تمامی فعالین جنبش آزادی زن میخواهد که با پرچم زنده باد آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب، آزادی زن شرط آزادی جامعه است، آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، آزادی فوری تمامی دستگیر شدگان ۲۲ خرداد، در تجمعات ۱۸ تیر بطور فعالی شرکت کنند.

سازمان آزادی زن

۱۲ تیر ۸۵

تجربه تلخ

دریا کوهی

داد ۷ هفته. به او گفتم: صدف جان شرایط خانواده ات را گفتمی و به دکتتر توضیح دادی که زمان زیادی نداری؟ جواب داد: آره همه چیز را میدانند و تلاش میکنند که زودتر کارم را تا قبل از تعطیلی مدرسه راه بندازند. گفتم باز هم تاکید کن که همه چیز کاملاً مخفی بماند حتی آدرس خانه تان. گفت: آنها فقط یک شماره تلفن از من خواهند داشت. بوسیدمش و گفتم: تو تنها نیستی ما پشت هستیم و با هم میریم پیش دکتتر هر لحظه هم کاری داشتی حتماً من زنگ بزنی. یکدفعه از جا پرید و به طرف دستشویی دوید پسرم خیلی هم به دنبالش. برایش نگران و ناراحت بودم با این وضع حالت تهوعی که الان دارد و با درد و خونریزی بعد از سقط جنین چطور باید در خانه پیش خانواده اش ظاهرش را حفظ کند تا آنها متوجه نشوند؟! آنقدر نگرانش بودم که تمام روز را فقط به او فکر میکردم.

روز موعود فرا رسید با پسرم سر قرار رفتیم و

در حال بیرون رفتن از خانه بودم که تلفنم زنگ زد گوشی را برداشتم صدای صدف بود گفت: سلام خاله اگه خانه هستی من پشت پیام، میخوام باهات حرف بزنم. گفتم: صدف جان الان دارم میرم بیرون، با وکیل قرار دارم که نمیتونم لغوش کنم اتفاقی افتاده؟ گفت: نه، ولی مهم است. گفتم: باشه، بعد از اینکه کارم تمام شد باهات تماس میگیرم. گفت: باشه و گوشی را قطع کرد. در راه بودم که پسرم زنگ زد مامان چرا خانه نیستی؟ بمون خانه صدف باهات کار داره. گفتم: تو که میدونی من قرار مهمی دارم و باید برم، الان هم در راهم، چی شده؟ اتفاقی افتاده؟ گفت: نه، خودش بهت میگه. اصرار کردم، تو به من بگو چون منو نگران کردی. گفت: باشه، ولی به هیچ کس نگو، صدف حمله است. از نگرانی احساس کردم تم داغ شد. پرسیدم میخواد چکار کنه؟ نمیخواد که نگهداره؟ جواب سوالم را میدونستم اما با اینحال پرسیدم جواب داد: نه، نمیخواد نگهداره، میخواد بره دکتتر. باشه، من باید به فکر پیدا کردن یک دکتتر باشم. گفت: خودش پیدا کرده گفتم: من رسیدم خانه زنگ میزنم که بیاد با هم حرف بزنیم.

شب خودم را قبل از تاریک شدن هوا به خانه رساندم بعد از چند لحظه صدف هم آمد پسرم هم در خانه بود. اولش صدف خجالت میکشید حرف بزند. گفتم: صدف جان بگو. گفت: خاله جان ما کار بدی کردیم. گفتم: نه شما کار بدی نکردین. ازش پرسیدم مگر قرص استفاده نمیکردی؟ گفت: چرا، ولی چند روزی نخوردم. پرسیدم: چند وقت است؟ جواب

در راه سوارش کردیم در چهره اش غم و اندوه کاملاً دیده میشد وقتی در ماشین نشست خودش را در گوشه ماشین جمع کرده و حرف نمیزد از آینه بغل ماشین نگاهش میکردم هر دو ساکت بودند و هر دو ناراحت و غمگین. بعد از چند لحظه دیدم که اشک میریزد میدانستم چه احساسی دارد او دلش نمی خواست بچه اش را سقط کند. حس مادری و احساس اینکه موجودی که در درون شکمش است را باید با تصمیم خودش از بین برد برایش بسیار دردناک بود. آرزو داشت میتوانست بچه اش را نگهدارد اما میدانست که به هیچ عنوان نمیتواند چون این کار را بکند، شرایط خانواده بسیار سنتی و عقب مانده بود او میدانست که حتی مادرش قربانی فرهنگ ارتجاعی و مردسالاری است. مادرش به این دلیل که از پدر او جدا شده نه تنها برادرهاش بلکه تمام مردهای فامیل به خود اجازه میدهند که در تمام زوایای زندگی شان دخالت کنند مادر بدون اجازه مردهای فامیل نمیتواند حتی در مورد زندگی خصوصی خود تصمیم بگیرد اینکه

ادامه در صفحه ۳

رئیس سازمان آزادی زن

آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سر دبیر نشریه

پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 02

دستیاران سر دبیر

اسماعیل اوجی

نیاز قاندی

نامه پروین کابلی به سازمانهای زنان، عفوبین الملل، رسانه گروهی! در ارتباط با سرکوب تظاهرات زنان در ۲۲ خرداد ۸۵

روز ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ پروین کابلی سخنگوی کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران و مسئول اجرایی سازمان آزادی زن در نامه ای خطاب به سازمانهای زنان ،حقوق بشر و پارلمان اروپا در مورد حمله اوباشان جمهوری اسلامی به تظاهرات زنان در تهران خبر از دستگیری دهها نفر داد. در این نامه پروین کابلی ضمن منعکس کردن نام تعدادی از دستگیرشدگان نوشت: جمهوری اسلامی "حکومت آپارتاید جنسی" در مقابل خواست به حق زنان در اعتراض به بی حقوقی، تحقیر و ستم، با حمله به تظاهرات بر حق زنان، دهها نفر از آنها را پس از ضرب و جرح دستگیر نموده است. این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی در مقابل خواست بر حق زنان و اعتراض آنها به حمله و دستگیری فعالین جنبش زنان اقدام نموده است

زنان در ایران شهروند درجه دوم محسوب میشوند و از ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم هستند. در ادامه این نامه پروین کابلی خواستار دخالت فعال سازمانهای زنان و حقوق بشر در رابطه با دستگیر شدگان شده است . بدنبال فردستان این نامه تاکنون چندین سازمان حمایت خود را از درخواست پروین کابلی در رابطه با آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیرشدن اعلام نموده اند. متن این نامه منبای اعتراض خانم اولاهوفمن نماینده حزب چپ در پارلمان سوئد قرار گرفت. وی در اعتراض خود به وزیر امور خارجه خواستار شد که دولت سوئد در این مورد، ایران را مورد مواخذه قرار دهد. سازمان آزادی زن و کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران، فعالیت های وسیعی را برای آزادی دستگیر شدگان آغاز کرده اند.

سازمان آزادی زن
کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران
۱۶ ژوئن ۲۰۰۶



حمایت از حجاب کودک در مدارس سوئد باجدهی به اسلام سیاسی است

اخیرا در پی ممنوعیت از ورود یک کودک ۷ ساله محجبه ب مدرسه میناروا در استان ائو سوئد، اداره مدارس سوئد مسئله حجاب کودک را بار دیگر مورد بررسی قرار داد. مدیر این مدرسه بدلیل رعایت قوانین انضباطی داخلی و اینکه هر نوع پوششی بر روی سر، از جمله کلاه و امثالهم ممنوع هستند مانع ورود این دختر بچه محجبه به مدرسه مربوطه شد. بخش بازرسی از مسائل اداره مدارس سوئد، مسئول بررسی مجدد این مساله از زاویه چگونگی اجرای قوانین در رابطه با حجاب گردید. روز ۲۴ مه تصمیم این اداره و نتیجه این رسیدگی بدین صورت به عموم اعلام گردید: مدارس سوئد باید پذیرای همگان باشند. آزادی مذهب باید رعایت شود و هیچ مسئولی در مدارس سوئد نباید مزاحمتی برای دانش آموزان محجبه بوجود ساعتی پس از بیاورد. این تصمیم از مهین علیپور فعال عرصه زنان و سخنگوی کمپین دفاع از حقوق زنان واحد استکهلم، خانم آنا وسترهلْم و دو دانش آموز مسلمان دعوت بعمل آمد که در تلویزون سراسری سوئد برای صحبت پیرامون این تصمیم حضور یابند. از پاسخ سولاتی که خانم آنا وسترهلْم که رئیس بازرسی اداره مدارس سوئد و نقش تائیین کننده ای در این تصمیم داشت، اینطور استنتاج میشد که حجاب جزئی از مذهب اسلام و هویت این کودکان است و ممنوعیت آن، با باز بودن مدارس سوئد بروی همگان، مغایرت دارد.

استدلالاتی که پیرامون آن میشود، تاکید میشود که دولت سوئد حامی بیقید و شرط رسوم و قوانین ضد زن مذهب و بویژه اسلام است. برای دولت اهمیت ندارد که کودک محجبه در مدرسه سکولار سوئد، بیدفاع از طرف خانواده و قوانین ارتجائی و عقبگرای مذهبی کنترل میشود. دلایلی که این تصمیم دولت بر آنها استوار است چنان کودک ستیز و بیگانه با حقوق کودک است که فقط از مجرای دید راسیستی و بیتفاوت به آینده هزاران کودک "خارجی" میتواند مایه بگیرد.

میگویند مدارس باید برای همه باز باشد. مگر قرار بود غیر از این باشد؟ باز بودن مدارس برای همه، به این معنی است که همگان بتوانند از حق آموزش سکولار و برابر برخوردار شوند. این به آن معنی نیست که سبملهای مذهبی و فرقه ای و خرافات و رسوم ارتجاعی و ضد انسانی در مدارس مورد استقبال قرار گیرند. مدرسه نباید جولانگاه تاخت و تاز مذهب و سیاست شود. این تاکید اداره مدارس بر دفاع از حجاب کودکان در مدارس یک عقبگرد در زمینه حق کودک است. این تصمیم مغایر با قوانین سکولار است. دلایلی که برای این تصمیم ارائه شد بونی از مدرنیسم در

خود ندارد. اینکه کودک دین ندارد و کودک اموال کسی نیست و انتخاب مذهب به بزرگسالان برمیگردد رعایت نمیشود. عجیب است که هنوز حجاب یک پوشش ساده قلمداد میشود و همزمان با حمل این پوشش، بی حقوقی های بیشمار زن را در کنار آن نمیینند و نمیخواهند ببینند.

رشد مدارس مذهبی، بویژه مدارس اسلامی بخش دیگری از پلاتفرم جنبش اسلام سیاسی است. تائید قوانین مجزا برای زنان و دختران مسلمان، سربازگیری جریانات اسلامی بین جوانان در این محیط ها، مجازات و تنبیه زنان و کودکان پشیوه اسلامی اجزا دیگر این پلاتفرم میباشد.

دفاع از حجاب کودک در مدارس، گوشه ای از جا انداختن پلاتفرم وسیعتر و ارتجائی و ضد زن اسلام سیاسی است. این عقبگرد راه را برای تحمیل بقیه این پلاتفرم باز میکند. کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران فعالیتهای بسیاری در زمینه ممنوعیت حجاب کودکان و بسته شدن مدارس مذهبی داشته است. این مساله یکی از اولویت های ماست. باید افکار عمومی و جامعه را از لطمات این تصمیم دولت مطلع نمائیم. با قدرت بیشتر در برابر هجوم اسلام سیاسی و کرنش دولت در مقابل آنها بکوشیم.

کمپین دفاع از حقوق زنان
ایران واحد استکهلم
26 مای 2006

برنامه تلویزیونی برای آزادی زن

برنامه تلویزیونی برای آزادی زن روزهای سه شنبه ساعت نه و نیم صبح به وقت تهران از کانال یک پخش میشود. برنامه های برای آزادی زن همچنین در کانال جدید روزهای دوشنبه و جمعه ساعت نه و نیم شب به وقت تهران پخش میگردد. برای آزادی زن برنامه ای است در نقد زن ستیزی و مرد سالاری و در دفاع از آزادی و برابری زن و مرد. برای آزادی زن سنن، قوانین، نظرات، افکار و بینش مرد سالار را به مصاف می طلبد. برای آزادی زن از رهبران، فعالین و صاحب نظران جنبش آزادی زن برای شرکت در مصاحبه ها و میزگردها دعوت میکند. نظرات، پیشنهادات و سولات خود را با ما در میان بگذارید.

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

میکردند که تجمع نکنید بروید . تقریباً ساعت 4.50 دقیقه شده بود که در وسط میدان یکی از عوامل رژیم سعی در دستگیر کردن یکی از مردم کرد که در همین لحظه انهایی که در کنار پارک تجمع کرده بودند هم برای این که آن فرد را نجات دهند و هم اعتراض را شروع کنند به سمت خیابان (ضلع جنوبی میدان) حرکت کردند از تمام اطراف زنها و افراد دیگر میدویدند و به آنها می پیوستند جمعیت در عرض چند ثانیه نزدیک به هزار نفر شد که در خیابان شروع به راهپیمایی کردند اعلامیه ها در هوا پخش شد و همه شعار میدادند " ما رژیم انسانیم اما حقی نداریم " و به سمت خیابان شرقی میدان حرکت میکردند رژیم و عوامل وحشی اش از قسمت بالای خیابان به سمت مردم می آمدند و در خیابان سمت شرق میدان توانستند مردم را به پیاده رو بفرستند . انسانهای معترض که شعار آزادی زن را میدادند به سمت بالا در حرکت بودند و رژیم هم به سمت شرق میدان بدترین جا برای اعتراض بود و وحشی رژیم از یک طرف به خاطر وجود ساختمانها و مغازه ها محصور بود و از سمت دیگر به خاطر نرده هایی که در کنار پیاده رو نصب شده بود .

گزارشی از ایران در رابطه با تظاهرات زنان در روز ۲۲ خرداد . . .

هنوز مردم نیمی از طول پیاده رو را طی نکرده بودند که رژیم وحشی سرکوب وحشیانه اش را شروع کرد ابتدا یک دستگاه اتوبوس را به صورت ورود ممنوع وارد خیابان کرد و در کنار پیاده رو پارک کرد و مردم را بین این دستگاه اتوبوس و مغازه ها محصور کردند و تمام جاهایی که بین پیاده رو و خیابان نرده نبود آرازل خودشان را مستقر کردند و شروع به کتک زدن زنان و انسانها کردند دختری در بین جمعیت بود که یک دفعه از کوله پشتی اش یک دسته اعلامیه بیرون آورد و به هوا پخش کرد که متأسفانه از سوی رژیم شناسایی شد و قتی میخواست به سمت خیابان بدود و فرار کند یکی از عوامل رژیم چنان با لگد به پای او ضربه زد که چندین متر روی زمین از شدت پرت شدن کشیده شد و نیروهای رژیم به طرفش دویدند و دستگوش کردند کمی ان طرف تر زن میان سالی را یکی از زنان عوامل رژیم و دو پاسدار با کتک زدن و فحاشی داشتند سوار ماشین میکردند در بین جمعیت در پیاده رو گاز اشک آور انداختند . به همراه عده ای دیگر توانستیم دیوار رژیم را بشکنیم

تا مردم بتوانند از پیاده رو خارج شوند و در تیر راس این جانان قرار نگیرند تقریباً اکثر تجمع کنندگان به وسط میدان و خیابان آمدند وقتی من به وسط میدان رسیدم ناگهان متوجه شدم یکی از دختران معترض و جوان را با کتک به سمت شمال میدان میبرند و با زور سوار ماشین میکنند تمام انهایی که در وسط میدان بودند فریاد میزدند وحشی ها و لاش کنید " ناگهان دیدم دو دختر سراسیمه و گریه کنان دنبال دوستانشان میگردند ظاهراً آن دستگیر شده از دوستان آنها بود دوستان دیگرشان دلداریشان میدادند و میگفتند گریه نکنید اتو دست رژیم ندهید آن دو دختر را هر طور بود به کمک چند نفر از مردم به داخل سالن مترو بردند داخل سالن پر از جمعیت بود صدای صرجه و فحش به گوش میرسید گاز اشکاور اجازه نفس کشیدن به آدم ها را نمی داد چندین دختر و پسر در سالن بودند که دستمال کاغذی های خیس شده را بین انهایی که گاز اشکاور مسمومشان کرده بود پخش میکردند از کنار هر کدامشان که رد میشدی میشنیدی که میگفتند فلان کس را هم گرفتند فلانی

کجاست بد جوری کتک خورد همه سر تا پا خشم بودند سر تا پا نفرت بودند . بارها و بارها سرکوب وحشیانه رژیم را در اعتراضات دیده بودم و مزه باتوم و سیلی های این جانان را چشیده بودم ولی این بار بدترین سرکوبی بود که دیدم سرکوب و کتک زدن زنان بی دفاع زنانی که برای اعتراض به این رژیم ضد زن و وحشی زنانی که برای اعتراض به آپارتاید جنسی و حجاب زنانی که در اعتراض به حقوق سالیان سال پامال شده شان به خیابان آمده بودند توسط این رژیم وحشی داشتند سرکوب میشدند و کتک میخوردند هر سیلی که به صورت دختری میخورد و صدای هر زنی که از شدت درد باتوم جیغ میزد چنان بود که انگار خود من را داشتند میزدند درد باتومی که به پشتم خورده بود یادم رفته بود و هر طور بود سعی میکردیم زنان را از دست رژیم بیرون بکشیم . سرکوب اعتراض زنان دل هر انسان دوستی را به درد می آورد حتی کسانی که رهگذر بودند به رژیم و جنایاتش نفرین میفرستادند وقتی رژیم وسط خیابان به سمتان حمله کرد و توانستیم به همراه

خیلی از معترضین به وسط میدان بیاییم . وسط میدان چون ایستگاه مترو واقع شده بود راه گریز بیشتر بود و عده ای هم که رهگذر بودند آنجا تجمع کرده بودند از آنجا خیلی از انهایی را که کتک خورده بودند و مسموم شده بودند به داخل سالن مترو میبردند تا بتوانند فراریشان بدهند در وسط میدان متوجه زنی شدم که چادر به سر کرده بود و ایستاده بود و زنی دیگر در کنار او بود شنیدم که زن چادری میگفت دیوانه اند که ان زن دیگر پرسید کدامشان آنها که در شعار میدهند یا انهایی که دارند کتک میزنند اینها که آمده اند اینجا حقشان را می خواهند خود تو مگر در جامعه حقوقی داری ؟ چرا نصف مردان ارث به تو میرسد . احساس بدی داشتم احساسی پر از نفرت . نفرت از این رژیم نفرت از این همه سرکوب .

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!
با ما ارتباط بگیرید.
نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.
شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.
اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.
جمع های خود را گسترش دهید.
از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.
در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آپارتاید جنسی لغو باید گردد شرکت کنید.
دوستان و آشنایانتان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

زنده باد تشکلهای آزادی زن